

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

سازمان زنان هشت مارچ (ایران - افغانستان) - بلجیم

۳۰ نومبر ۲۰۱۶

گزارش اکسیون به مناسبت "روز جهانی مبارزه با خشونت بر زنان"

۲۶ نومبر ۲۰۱۶ - بروکسل



صبح روز شنبه ۲۶ نومبر بنا به فراخوان و تدارکی که از پیش داشتیم به سمت ایستگاه مرکزی قطار در بروکسل حرکت کردیم، جایی که قرار بود با زنانی از دیگر سازمان‌ها اکسیونی به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت را برگزار کنیم و امیدوارم بودیم که تعداد دیگری از زنان نیز به ما بپیوندند. به محض ورود به محوطه اکسیون و همزمان با نصب عکس‌ها و شعارهایمان تعدادی از رهگذاران کنجکاوانه حول ما جمع شدند و از همان دقایق اول بحث و گفتگو شروع شد. با دیدن تی‌شرت‌های ما که رویش نوشته شده بود: "اگر یک زن آزاد نباشد هیچ‌کس آزاد نیست!"، "بدون مبارزه انقلابی زنان هیچ تغییری امکان‌پذیر نیست!"، با فعالیت پرشور جمع و با پخش موزیک به تعداد جمعیت افزوده شد و هوای پائیزی و سرد مقابل ایستگاه شور و نشاط دل‌چسبی به خود گرفت.

ما که مثل چند سال گذشته با زنان کُرد و تُرک فراخوان مشترک داده بودیم، امسال علاوه بر فعالیت و بحث در مورد موضوع مبارزه با خشونت بر زنان در سطح بین‌المللی روی چند موضوع مشخص در مورد ایران تمرکز کرده بودیم یعنی معرفی و دعوت از ابران برای پیوستن به "کارزار مبارزه با خشونت خانگی، اجتماعی و دولتی بر زنان" که

مدت کوتاهی است به شکل بیرونی آغاز کرده است و همچنین درخواست همبستگی برای مبارزه برای متوقف کردن اعدام "زینب سکانوند".

ما شعار مرکزی کارزار را به زبان فرانسه روی پرچم بزرگی نوشته بودیم: "برای مبارزه علیه خشونت بر زنان متحد شویم"! و فراخوان برای پیوستن به کارزار را هم به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی بین مردم پخش می‌کردیم و جالب این‌جا بود که مردم خلاف گذشته با اشتیاق بیشتر و محافظه‌کاری کمتر بیانیه‌ها را می‌گرفتند و با وجود این‌که برخی از آن‌ها برای رفتن و رسیدن به قطارشان عجله داشتند حداقل زمانی را هم به دیدن عکس‌ها و شعارها و بحث با ما اختصاص می‌دادند.

از طرف دیگر هم برخی از دوستان بیانیه حمایت از "زینب سکانوند" را به زبان‌های فرانسه، فارسی، انگلیسی و ایتالیایی بین مردم پخش می‌کردند در مورد این جنایت مشخص بحث می‌کردند و رابطه آن را با ساختار ضد زن جمهوری اسلامی و ... توضیح می‌دادند، اکثر این افراد باکمال میل برای حمایت از زینب اعلام حمایت می‌کردند و برخی نیز بیانیه‌های بیشتری درخواست می‌کردند تا آن را با دیگران هم در میان بگذارند و سؤال می‌کردند چه‌کار بیشتری از آن‌ها ساخته است؟ او برای فعالیت بیشتر اعلام آمادگی می‌کردند. سؤال جالبی که برخی می‌کردند این بود که آیا ایمیل دادن و اعلام حمایت مجازی کمکی به توقف حکم زینب خواهد کرد؟ او توضیح ما این بود که درست است که روزانه زنان و مردان زیادی در ایران اعدام می‌شوند و این فعالیت ناچیز جلوان شکل بدوی از مجازات اسلامی را نمی‌گیرد اما موارد معدودی هم بوده که با علنی شدن نام افراد و سازماندهی فعالیت مبارزاتی برای متوقف کردن حکم‌شان حکم متوقف شده است و از نظر ما در کنار مبارزه با کلیت این ساختار، نجات جان هر انسان هم اهمیت دارد، خصوصاً زنانی که مثل زینب تا این حد قربانی روابط مردسالارانه دولتی و غیردولتی شده‌اند.

خوشبختانه محلی که برای اکسیون انتخاب کرده بودیم محل عبور افراد مختلف از ملیت‌های مختلف بود و ما با زنان و مردانی از ملیت‌ها، سنین و اقشار متفاوت روبه‌رو می‌شدیم و سعی می‌کردیم از تمام ظرفیت‌هایمان برای صحبت با آن‌ها به زبان‌های مختلف استفاده کنیم و از یک دیگر برای رساندن مفاهیم کمک می‌گرفتیم و چند زن بلجیمی و حتی رفقای مرد که در این اکسیون همراه ما بودند و حضور فعالی داشتند، کمک‌های بزرگی در این زمینه انجام دادند.

دختر جوان تونس‌ی در اولین برخورد از ما پرسید: "کدام سازمان دولتی شما را حمایت می‌کند؟" و وقتی ما توضیح دادیم که ما زنانی عمدتاً از خاورمیانه هستیم که مستقل از دولت‌ها هستیم و با اتکاء به نیروی توده‌ها فعالیت می‌کنیم و ... بسیار خوشحال شد و گفت این همان چیزی است که من می‌خواستم و خواستار تماس بیشتر با ما شد. گروهی از جوانان پاکستانی هم جمعاً آمدند و فراخوان را امضاء کردند. زن بسیار مسن بلجیمی که عکس‌ها، شعارها و پرچم‌هایمان را با دقت نگاه کرده بود، می‌گفت شما بسیار عالی و بسیار فعال‌تر از زنان بلجیمی عمل کرده‌اید. جوانان که اغلب به شکل گروهی از کنارمان عبور می‌کردند وقتی کنجکاوانه به سمت ما می‌آمدند علاوه بر شنیدن توضیحات ما خودشان هم جمعی بحث می‌کردند و اغلب جمعی اعلام حمایت می‌کردند و به همین دلیل گاهی کنار میزمان صفی از افراد علاقه‌مند ایجاد می‌شد. جمعی از جوانان ایتالیایی که دنبال آدرس می‌گشتند، بعد از توضیحات رفیق‌مان فراخوان را هم امضاء کردند. وقتی به گروهی از دختران جوان تُرک که با کمی فاصله از جمع ما مشغول صحبت بودند، بیانیه حمایت از زینب را دادیم، گفتند که چون او کُرد است ما امضاء نمی‌کنیم! اما کُردها را دوست نداریم؛ اما بعد از توضیحات دوست ما که می‌گفت موضوع ملیت افراد نیست ما در مورد زنی حرف می‌زنیم که قربانی یک نظام مردسالاری جهانی است و ملیت مرزی غیرواقعی به زنان ترسیم می‌کند و ... و بعد از توضیح شرح‌حال زینب، این دختران هم برای امضاء اعلام آمادگی کردند. دو پسر نوجوان انگلیس بعد از شنیدن توضیحات ما در مورد زینب

در حالی که مرتب می‌گفتند: "امکان‌پذیر نیست!" آمدند و بیانیه را امضاء کردند. یکی از فمینیست‌های بلجیمی که مربی "دفاع شخصی" است و از قبل ما را می‌شناخت هم با روئی گشاده به سمت‌مان آمد و گفت مشغول خرید بلیط برای سفر با قطار بوده که صدائی از بیرون شنیده و کنج‌کاوانه بیرون آمده و برایش هیچ‌چیز بهتر از دیدن عده‌ای از زنان مبارز در این زمان و مکان نبوده است و مشتاقانه به فراخوان ما ابراز حمایت کرد. زنی انگلیس علاوه بر این که خودش و همراهش اعلام حمایت کردند گفت من بیانیه‌ای را هم برای دخترم می‌برم چون در این زمینه فعال است و حتماً این کار را خواهد کرد. چند جوان گفتند که این موضوع را امشب در فیس‌بوک‌مان اعلام می‌کنیم و حتماً دوستان‌مان حمایت خواهند کرد. زنی بلجیمی که به‌تازگی از ایران برگشته بود گفت کشور شما زیبا بود اما من نمی‌دانستم این‌قدر مشکلات وجود دارد و ... با چند کلمه‌ای که فارسی یاد گرفته بود سعی کرد با ما اعلام همبستگی کند و با روی گشاده کمک مالی کرد و گفت تمایل دارم هر کاری که می‌توانم انجام دهم. یک گروه از فعالان یونانی / اسپانیایی هم گفتند صفحه‌ای فیس‌بوکی برای مبارزات زنان دارند و عکس‌های این اکسیون را امشب در صورت توافق گروه‌شان روی صفحه‌شان خواهند گذاشت. در این روز علاوه بر این که نوجوانان و جوانان زیادی را دیدیم، حضور کودکان هم جالب توجه بود. پدری که با دو دخترش عبور می‌کرد حدود بیست دقیقه‌ای توقف کرد و تکتک عکس‌ها و شعارها را برای‌شان توضیح داد، هر چند به نظر می‌رسید که گاهی برای توضیح برخی عکس‌ها دچار مشکل می‌شد. دختر ده ساله‌ای هم همه عکس‌ها را به‌دقت نگاه کرد و وقتی دوست ما از او پرسید: "نظرت چیست؟ ما دوست داریم بدانیم در ذهن تو چه شکل گرفته است؟" گفت: "وحشتناک هستند! من دوست دارم به خانه برگردم!" و کاملاً قابل درک بود که دیدن قطاری پایان‌ناپذیر از خشونت بر زنان چه احساس پیچیده و سختی در او ایجاد کرده است؛ اما تراژیک‌ترین بخش اکسیون این بود که یکی از زنان بی‌خانمان که در جمع الکلی‌های اطراف ایستگاه زندگی می‌کند هم مثل چند نفر دیگرشان به ما نزدیک شد. ما هم به او و دیگران بیانیه‌های‌مان را دادیم او بعد از این که بیانیه را خواند مدتی ایستاد و به موسیقی و پیام‌هایمان گوش داد. ابتداء به نظر می‌رسید که مست است و متوجه اطرافش نیست اما به‌زودی معلوم شد که چقدر از حضور ما خوشحال است و نمی‌خواهد ما را ترک کند. او گفت که نامش "ناتالی" است و پدرش در کودکی به او تجاوز و زندگی‌اش را تباہ کرده است و خوشحال است که ما برای نجات زنان فعالیت می‌کنیم؛ و بسیار آگاهانه تا پایان اکسیون کنار ما ایستاد.

پیام مشترک برگزارکنندگان به زبان فرانسه دائماً پخش می‌شد: "زنان جهان برای پایان دادن به خشونت علیه زنان متحد شویم! سؤال اصلی این است: چرا زنان به‌عنوان یک گروه اجتماعی قربانی خشونت هستند؟ و مسأله مهم‌تر این که: چگونه به این خشونت جهانی پایان دهیم؟ و ... و پیام هرکدام از سازمان دهندگان نیز خوانده شد و این پیام‌های مبارزاتی و موزیک‌های انقلابی و برانگیزاننده مانع از غلبه سرما بر حاضران می‌شد.

با وجود این که در این چند ساعت صدها بیانیه و فراخوان به زبان‌های مختلف را پخش کرده بودیم و با تعداد زیادی از مردم صحبت کرده بودیم، به‌قدری انرژی داشتیم که می‌توانستیم باز هم آنجا بمانیم؛ اما با همان شور و حرارت اولیه، اکسیون را پایان دادیم به امید ادامه این مبارزات. ناتالی که ما را در حال جمع‌آوری وسایل‌مان دید، آمد و گفت از تی‌شرت‌های‌تان به من هم بدهید! به‌عنوان یک بی‌خانمان، این بهترین درخواستی بود که او می‌توانست از ما بکند. او با شادمانی همان‌جا تی‌شرت مبارزاتی را به تن کرد و گفت: "پدرم وقتی ۱۵ سال داشتم به من تجاوز کرد! یک سال و نیم به زندان رفت، اما من تا همین حالا در خیابان زندگی می‌کنم! می‌فهمی در خیابان "ناتالی" را در آغوش کشیدیم و در فضائی آکنده از خنده و گریه از هم جدا شدیم، در حالی که به حرف‌های او و واقعیت سخت و تلخ زندگی‌اش فکر

می‌کردیم. نتالی هم یکی از ما بود و ما از یافتن او و دیگران خوشحال بودیم و مطمئن‌تر شدیم که باید در این کارزار هم صدای بی‌صدایان باشیم.

سازمان زنان ۸ مارچ (ایران - افغانستان) - بلجیم

۲۶ نومبر ۲۰۱۶







